

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی: احکام نماز مسافر - شرط هفتم وجوب قصر نماز

کد خبر: 133919

10 فروردین 1400 در ساعت 8:43 ق.ظ

ندای اصفهان - حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (امام جمعه موقت اصفهان) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ یکشنبه ۳/۱۲/۹۹ که در ایام کرونا به صورت مجازی برگزار شده است، به نظر طلاب و اساتید می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة - فصل فی الصلاة المسافر - احکام نماز مسافر - شرط هفتم وجوب قصر نماز

بسم الله الرحمن الرحيم.

هفتم از شرایط سفر برای قصر صلاه این است که سفر را عمل و شغل برای خودش قرار ندهد مثل «مکاری» که کرایه می دهد و «جَمَال» که صاحب شتر هست، «مَلّاح» یعنی کشتی بان و «برید» یعنی پستیچی یا «الجابی» کسی که خراج می ستاند و این طرف و آن طرف می رود و «راعی» که چوپان است، این ها نمازشان را تمام می خوانند و روزه شان را در سفر انجام می دهند.

آن سفری که عمل برای آن هاست ولو سفر را برای خودشان انجام می دهند مثلاً مکاری سفر را انجام می دهد اما نه برای دیگری، برای این که متاع خودش را حمل بکند یا اهلش را سوار کرده و از مکانی به مکان دیگر می برد باز این هم نمازش تمام است و فرقی نیست بین کسی که بعضی از چهارپایان نزدش هست که این ها را برای اماکن قریبه کرایه می دهد (برای ۱۰ کیلومتر یا ۱۵ کیلومتر) اما استثنائاً همان دواب را برای بلدان بعیده کرایه می دهد و با اینکه این ها اهلیت برای بلدان بعیده را ندارند ولی وقتی کرایه می دهد دیگر جزء همان مکاری ها است که اگر رفت نمازش کامل است.

همچنین فرقی نیست بین مکاری که در سفر خودش جدیت می کند و معنای جدیت این است که دو منزلی که دیگران در دو روز طی می کنند این را در یک روز و به شکل یک منزل قرار می دهد و در منزل اول پیاده نمی شود و حرکت می کند، برخلاف دیگران که پیاده می شوند او حرکت می کند و دو منزل که می رود استراحت می کند، یا این که این طور نباشد و جدیت نکند، می گویند فرقی نمی کند.

پس ملاک صدق سفر شغلی برای خودش عرف است ولو این که در سفر واحدی باشد و آن سفر طول بکشد و سفرش از مکانی غیر بلدش به مکان دیگر تکرار بشود، یعنی در آن مقصدی که رفته آن جا هم از شهری به شهر دیگر سفر می کند.

معتبر نیست تحقق کثرت به تعدد سفر دوبار یا سه بار بلکه همان بار اول را می‌گوییم کافی است، منتها می‌فرمایند که صدق بکند در اثناء همان سفر واحد تا حکم به وجوب تمام بکنیم و اما اگر صدق نکرد (منظورشان از عدم تحقق همان صدق اتخاذ «عمل له» است)، حتماً باید متعدد باشد در این صورت تحقق معتبر است.

در این فرمایش سید یزدی صاحب عروه نکات متعددی هست که ما به پنج نکته اشاره می‌کنیم؛



آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه

نکته اول: روز گذشته هم اشاره کردم که در روایات برای حکم تمام سه تعلیل هست؛ این بحث خیلی از نظر بیان حکم شرعی اهمیت دارد. باید ببینیم تعلیل در روایات چیست که باعث می‌شود نماز تمام بشود. **تعلیل اول** کسی که مرتب رفت و شد می‌کند و جایی نمی‌ماند و جایگاهی ندارد که بخواهد آنجا بماند. **تعلیل دوم** «لأنه عملهم» بود و **تعلیل سوم** «منازلهم معهم» بود. این طور می‌گوییم: هرکس که مرتب رفت و شد می‌کند و جایگاهی ندارد، یا هرکس که عملش سفر است، یا کسی که خانه‌اش با اوست؛ این سه تعبیر هست.

تعلیل اول که فرمود «یختلف» شامل دو گروه می‌شود؛ یکی شامل کسی که سفرش شغل برای اوست و به این خاطر مرتب رفت و شد می‌کند و گروه دوم کسانی هستند که کثرت سفر دارند اما لاغیر شغل (مثل زیارت و تفرج و صله رحم) اما زیاد کثرت دارد نه گاهی. تعلیل «یختلف لیس له مقام» که حضرت ذکر کردند شامل هر دو گروه می‌شود، ولیکن به روایت که مراجعه می‌کنیم می‌بینیم امام (ع) برای همین یختلف لیس له مقام چند مثال زدند که همه مربوط به کسی است که سفر شغل برای او است و فقط این را مثال می‌زنند و آن گروه دوم را اصلاً مثال نزدند. اگر دقت بکنیم در روایت قبل چهار گروه را مثال زدند: مکاری، الکری، راعی و الاشتقان. این چهار گروه را حضرت مثال زدند.

دقت کنیم مکاری که در این جا آمده و می‌گوید عملشان هست، همین لفظ مکاری و جمال در روایت یک هم آمده و آنجا امام گفته‌اند نمازش تمام است و علتش را گفتند که «یختلف لیس له مقام». وقتی می‌بینیم که یک مثال به نام مکاری هست و در یک جا مکاری را می‌گویند چون عمل اوست در یک جا می‌گویند که مرتب رفت و شد می‌کند، ما نتیجه می‌گیریم که مراد امام از این «یختلف لیس له مقام» همان تعلیلی است که حضرت در روایت دو بیان کردند و گفتند عمل آنهاست نه کثرت سفر بدون عمل.

این مطلب نکته خیلی مهمی است، بنابراین کسی که کثرت سفر برای «زیارت» دارد نمازش شکسته می‌شود. این کثرت سفر را نباید به ظاهرش عمل بکند بلکه باید با روایت دو تفسیر بکند و بگوید این «یختلف» مراد همان کسی است که عملش این است، یعنی کارش است.

نکته دوم: اگر بخواهیم به خود عمل هم نگاه بکنیم ممکن است کسی بگوید که عمل اعم از «شغل» است مثل متعلم یا کسی که عمل او فقط صرف رفتن سفر هست و این عمل به خاطر شغلش نیست مثل متعلم یا مثل سرباز که از راه سفر نمی‌خواهد چیزی به دست بیاورد و درآمد و شغل او نیست. لفظ «عمل» اعم از این دو است، اگر کسی بخواهد به لفظ عمل نگاه بکند دیگر چه فرقی می‌کند، چه آن کسی که عملش شغل اوست چه آن کسی که عملش شغل نیست و مثالش هم معلم و متعلم؛ استاد و شاگرد، با این تفاوت که استاد دارد پول درمی‌آورد و شغل او است اما متعلم از فراگیری علم پول در نمی‌آورد و شاگرد یا سرباز است.

لفظ عمل شامل هر دو می‌شود اما همان‌طوری که اشاره کردم «عمل» انصراف دارد به همان قسم اول که حتماً باید این عمل شغل برای او باشد. **دلیل ما چیست؟** باز می‌گوییم مثال‌هایی است که امام (ع) در روایت دو ذکر کردند.

دقت کنیم امام عملی را که می‌گویند «لأنه عملهم» چهار مثال برایش زدند که مکاری و کری، این دو را گفتیم هر دو به معنای کرایه دهنده است، حالا یکی‌شان ممکن است بگوییم که الاغ کرایه می‌دهد اما مکاری را بگوییم که اعم از هر نوع کرایه‌ای است، فرقی نمی‌کند و مکاری شغلش است و درآمد زندگی‌اش از این راه است و همچنین چوپان و اشتقان (به معنی پستی).

خلاصه امام (ع) چهار مثال زدند پس می‌گوییم مراد از عمل، اعم نیست بلکه خصوص عملی است که یکسبب به- به گونه‌ای که «یصدق علیه ائمه مکاری». با توجه به این نکته، مطلبی که سید در عروه در این مطلب فرمودند **ایراد** پیدا می‌کند. ایشان فرمودند که این مکاری نمازش تمام است گرچه سفری را که دارد انجام می‌دهد برای خودش دارد انجام می‌دهد، و مثال زدند وقتی مکاری متاع خودش را حمل می‌کند یا زن و فرزند خودش را دارد از مکانی به مکان دیگر می‌برد این را هم گفتند که نمازش کامل است. به ایشان عرض می‌کنیم نه اینگونه نیست بلکه نمازش شکسته است.

اما نمی‌دانم که مراجع همه تبعیت از سید در این مسئله کردند و هیچ کدام حاشیه ندارند. فقط یک نکته را می‌توانم استثنا بزنم به نفع سید بگوییم که نمازش کامل هست و آن جایی است که این آقای مکاری سفر را که انجام می‌دهد هم برای خودش است و هم برای کرایه دادن دواب به دیگران هست؛ بنابراین هم بار خودش را حمل می‌کند یا زن و بچه‌اش را دارد می‌برد و هم ۱۰-۲۰ تا اسب هم به دیگران کرایه داده است. آن وقت اگر صدق کرد که این آقا مکاری مطلق است (نه فقط درخصوص این سفر)، اگر صدق بکند که این آقا مکاری مطلق است او نمازش تمام است.

این نکته که گفتیم به خاطر روایت چهار باب ۱۲ است **(ص ۵۱۸)** سندش هم صحیح است؛ محمد بن جزک از امام دهم (ع) سوال کرده و این محمد بن جزک موثق است.

می‌گوید به امام دهم گفتیم من جمّال هستم و شتران دارم؛ یعنی کسانی را دارم که نگهبان این شترها باشند. شترهایم را که کرایه می‌دهم خودم نمی‌روم بلکه افرادی را دارم که به آن‌ها می‌گویم شما دنبال شترها بروید و از شترها مواظبت بکنید. من در این سفرها همراه شترها نمی‌روم الا در طریق مکه. می‌گوید هر وقت شترهایم برای حج می‌روند خودم هم می‌روم، چرا؟ «لرغبتي للحج» آنجا می‌روم. آیا آن سفری که به مکه می‌روم که شترها را کرایه دادم خودم هم دارم می‌روم ولیکن نه برای این که دائماً در سفر با آن‌ها بروم بلکه در آن سفر هم ایشان مکاری است اما فعلاً قصدش رغبت در حج است. امام (ع) فرمودند که مشروط به این که شما دائماً ملزم به شترها نباشی و در هر سفری همراه شترها نروی الا در مکه، اگر این‌طور است «إذا كنت لاتلزمها ولا تخرج معها في كل سفرٍ الا الى مكة فعليك تقصير و افطار».

ما از این روایت می‌فهمیم که این آقا باید صدق مکاری بر او باشد، یعنی خودش مرتب همراه این‌ها برود والا اگر افرادی داشته باشد، شاگردان خودش و خادمین خودش را به دنبال شترها می‌فرستد و فقط برای سفر حج که می‌رسد خودش راه می‌افتد و می‌رود آن را حضرت می‌فرمایند که نمازش شکسته است.

نکته سوم: آیت الله العظمی حکیم و همچنین آیت الله العظمی سیستانی تفسیر کردند اماکن قریبه را به شرطی که به حد مسافت برسد. منظور آنها عبارت عروه هست که فرمودند این دوابی که کرایه می دهد فرقی نیست که این دواب را برای اماکن قریبه کرایه می دهد یا الان برای بلدان بعیده کرایه می دهد. به این دو بزرگوار عرض می کنیم که این تفسیر شما تفسیر درستی نیست؛ مراد باطن سید یزدی عکس این مطلبی است که شما دارید می گوید. مرادشان این است که بعضی از این چهارپایان برای اماکن نزدیک که کمتر از مسافت است مهیا هستند و این دواب را برای ۱۵ کیلومتری و حداکثر ۲۰ کیلومتری آماده کرده به خاطر این که ضعیف هستند، اما الان دارد برای بلدان بعیده کرایه می دهد، آن بلدان بعیده مناسب است که به چهار فرسخ یا بیشتر تفسیرش بکنیم.

نکته چهارم: اگر مکاری در منزل خودش ده روز یا بیشتر اقامت کرد یا در غیر منزل خودش مثلاً در سفر رفته و مکاری هم هست اما آن جا قصد کرد که ده روز بماند؛ یک چنین مکاری در سفر اول خودش یعنی بعد از آن ده روز که حرکت می کند آن اولین سفر را باید شکسته بخواند یا اگر روزه است باید روزه اش را افطار بکند. دلیل این که سفر اول چنین است و استثنا دارد مصححه یونس بن عبدالرحمان است [ص ۵۱۸] که دنبالش می گوید عن بعض رجاله و مرسله ذکر کرده ولیکن یوسف از اصحاب اجماع است و مرسلاتش با مسنداتش یکی است لذا اصطلاحاً مصححه از او یاد می شود.

از امام صادق (ع) نقل می کند می گوید «سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الْمَكَارِي الذِّي يَصُومُ وَ يَتَمَّ» از حد مکاری سوال می کند که روزه می گیرد و نمازش کامل است، حضرت فرمودند «اقام فی منزله أو فی البلد الذی یدخله أَقَلُّ من مقام عشرة اِیّام وجب علیه الصیام و التمام ابداً» چه در منزلش و چه در سفر اگر کمتر از ده روز بماند، یعنی سفر قبلش را انجام داده و در منزلش نبوده و الان که آمد ۵ روز تا ده روز (تا کمتر از ده روز) اگر نیت می کند و مجدد حرکت می کند این را فرمودند که واجب است روزه بگیرد و نمازش را هم تمام بخواند. بعد امام مفهوم جمله شان را ذکر کردند و گفتند اگر ماندنش چه در منزل و چه در آن شهری که واردش شده اکثر من عشرة الایام فعليه التقصیر و الافطار.

این روایت می تواند مستند ما باشد که ده روز اگر ماند چه در وطن و چه در غیر وطن اولین سفری که می کند باید شکسته بخواند و روزه اش را هم بخورد. دیدم که حضرت امام (ره) هم می فرمایند «لا یبعدُ التقصیر فی السفر الاول مع صدق العناوین». دیگر این «صدق عناوین» را نمی خواهد چون ایشان دارد قید می کند صدق عنوان مکاری باشد و قطعاً این هست و اصلاً موضوعمان همین است لذا دیگر کلمه صدق عناوین را حذف می کنیم.

حدیث دیگری هم مشابه این روایت هست و آن صحیحه عبدالله بن سنان است. اگر کسی به روایت یک بخواند ایراد بگیرد روایت عبدالله بن سنان هم مشابه همین است، اگر در آن شهری که وارد شده ده روز یا بیشتر بماند به منزل هم که می آید باز ده روز یا بیشتر می ماند، قصر فی سفره و افطر.

نکته پنجم: روایات در باب ۱۳ دلالت بر این دارد که اگر مکاری و جمّال جدیت در سیر بکنند باید نمازش را شکسته بخواند. مراد از جدیت چیست؟ دو معنا شده است، یک معنا آن چیزی است که کلینی و شیخ طوسی معنی کرده اند و گفته اند مراد از جدیت این است که دو منزل را یک منزل قرار می دهد، همین کاری که الان بعضی خودروها دارند حرکت می کنند و در جایی که معمولاً افراد استراحت می کنند استراحت نمی کند و به استراحتگاه دوم می رود. این معنای اول است. آقای یزدی و همچنین مراجع اصل جدّ را انکار کردند و می گویند اصلاً جدیت در شکسته شدن نماز اثری ندارد.

معنای دوم که باید به آن اهمیت بدهیم و به آن تکیه بکنیم همان تفسیر به معنای عرفی آن است. معنای عرفی چیست؟ این است که سیر بیشتری بر قدر متعارف داشته باشد، ولو این که به حد دو منزل نرسد مثلاً یک و نیم منزل می رود و بقیه در همان

منزل اول می‌روند بعد ایشان نصف منزل بعدی را هم می‌رود و بعد می‌ایستند و استراحت می‌کند.

این معنای دوم مختار ماست، علتش هم این است که در روایت‌ها هیچکدام آن تفسیر اول را نکردند و آن تفسیر از خود مرحوم کلینی هست و شیخ طوسی هم نقل می‌کند. لذا ما تفسیر را که از خودشان هست رها می‌کنیم اما خود روایات را نگاه می‌کنیم، روایات یکی و دو تا نیست و کثرت روایات هست و قدما هم عمل کرده‌اند و نمی‌شود بگوییم که اعراض اصحاب است لذا باید اصل روایات را توجه بکنیم.

حدیث یک باب ۱۳ صحیح محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام، قال: «المکاری و الجمال اذا جدَّ بهما السير فليقصرا».

حدیث دوم هم صحیح است، راوی‌ها یکی فضاله از اصحاب اجماع است و از ابان بن عثمان هست که او هم از اصحاب اجماع است و از فضل بن عبدالملک هست که مورد ثقة هست.

ثقه بودن فضل بن عبدالملک را مرحوم مامقانی تصریح می‌کند ولیکن در کتاب آیت‌الله العظمی مظاهری که به نام «الثقات الاخیار» هست جا افتاده و اگر عزیزان به کتاب آیت‌الله العظمی مظاهری مراجعه کنند اسم فضل بن عبدالملک ذکر نشده است، درحالی‌که مرحوم مامقانی تصریح به ثقه بودن آن می‌کنند.

از اباعبدالله (ع) سوال می‌کنند این مکارین که مرتب رفت و شد می‌کنند حکمشان چیست؟ حضرت فرمودند اگر تلاش زیاد در حرکت می‌کنند پس نماز را به قصر بخواند. اما نمی‌گویند که دو منزل یا یک منزل می‌روند، همین‌که می‌گویند جدیت می‌کند این جدیت باید عرفی باشد. این روایت یک و دو بود که خواندم و روایت چهار و پنج هم همین مضامین را دارد.

روایت پنج صحیح علی ابن جعفر است: فی کتابه عن اخیه، قال: سألته عن المکارین الذین یختلفون الی التیل- این‌ها مرتب به رود نیل می‌رفتند- هل علیهم اتمام الصلاة؟ فرمودند: اذا کان مختلفهم فلیصوموا و لیتموا الصلاة، اگر این‌ها همین‌طور رفت و شد می‌کنند پس روزه را بگیرند و نماز هم تمام بخوانند و بعد حضرت استثنا زدند «إلا أن یجدّهم السير فالیفطروا فالیقصروا».

انتهای پیام/

برچسب‌ها: آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی، درس خارج فقه، روایت، زیارت، سفر، سید ابوالحسن مهدوی، نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>